



جلسه هجدهم - درس خارج مهدویت - ۹۱/ ۸ / ۲۱

جلسه هجدهم - ۹۱/ ۸ / ۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا روحى وارواح من سواه لتراب مقدمه الفداه.

مقدمه

در جلسه قبل بيان شد كه بعضى از معاصرین نسبت به رجعت ائمه: و مومنین محض، تاملاتی داشته و روایاتی را مطرح می‌کنند كه شاهد بر رجعت است، هر چند در جمع بندی، نظرات و اشکالاتی مطرح می‌کنند. هفت روایت از روایات مطرح شده را بررسی کردیم و اکنون به چند روایت دیگر اشاره می‌کنیم.

روایت هشتم

وَ بِإِسْنَادِي إِلَى سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَزْقِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَوْ غَيْرِهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۹ لَقَدْ أُسْرِيَ بِي رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَى إِلَيَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ مَا أَوْحَى وَ كَلَّمَنِي بِمَا كَلَّمَ بِهِ وَ كَانَ مِمَّا كَلَّمَنِي بِهِ أَنْ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ...

يَا مُحَمَّدُ، عَلَيَّ أَوَّلُ مَا أَخَذُ مِيثَاقَهُ مِنَ الْأُئِمَّةِ يَا مُحَمَّدُ عَلَيَّ آخِرُ مَنْ أَقْبَضَ رُوحَهُ مِنَ الْأُئِمَّةِ وَ هُوَ الدَّابَّةُ الَّتِي تَكَلَّمُهَا يَا مُحَمَّدُ عَلَيَّ أَظْهَرُهُ عَلَى جَمِيعِ مَا أُوحِيَهُ إِلَيْكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَكْتُمَ مِنْهُ شَيْئاً يَا مُحَمَّدُ أَبْطِنُهُ الَّذِي أَسْرَزْتُهُ إِلَيْكَ فَلَيْسَ مَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ سِرٌّ دُونَهُ يَا مُحَمَّدُ، عَلَيَّ عَلَيَّ [۱]. [ftn1 #]. مَا خَلَقْتُ مِنْ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ عَلَيَّ عَلِيمٌ بِهِ.» [۲]. [ftn2 #]

عبد الله بن سنان نقل کرده است که حضرت صادق ۷ از پیامبر خدا ۹ روایت فرمود: آن شب که پروردگار مرا به معراج برد، از پشت پرده‌ای به من وحی خاصی فرمود و سخنی ویژه گفت. از جمله آن سخنان این بود که:

ای محمّد، اولین امام از ائمه معصومین که عهد و پیمان و میثاق او را از مردم طلب می‌کنم، علی است. ای محمّد، علی آخرین امامی است که قبض روحش می‌نمایم و او دابه (جنبنده) ای است که با مردم سخن می‌گوید. ای محمّد، علی را ظاهر می‌کنم - و برتری می‌بخشم - بر همه چیزهایی است که به تو وحی کردم و تکلیف نمودم، پس چیزی که برایت ظاهر کردم مخفی نکن و تنها چیزی را که برایت سر قرار دادم، مخفی کن. ای محمّد، هر چه از حلال و حرام آفریدم، علی را از آن آگاه کردم.

سند روایت

منبع اصلی روایت، کتاب بصائر الدرجات است

وَ بِإِسْنَادِي (مرحوم حسن بن سلیمان) إِلَى سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ اشْعَرِي (روایت را به سند خودم از سعد نقل می‌کنم)، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَزْجِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَوْ غَيْرِهِ، (اگر محمد بن سنان هم باشد به نظر ما مشکلی ندارد هر چند مورد بحث است) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ (مشکلی ندارد)

این روایت شاهد برای معنای سوم از رجعت است. روایت، بیان رجعت امیرالمومنین ۷ و اینکه در رجعت او آخرین حجت الهی است، می‌باشد.

روایت نهم

« الإِرشَادُ رَوَى عَبْدُ الْكَرِيمِ الْخَثْعَمِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا آتَى قِيَامُ الْقَائِمِ مُطَرَّ النَّاسِ جَمَادَى الْآخِرَةِ وَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطَرًا لَمْ تَرَ الْخَلَائِقَ مِثْلَهُ فَيَنْبُتُ اللَّهُ بِهِ لُحُومَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبْدَانَهُمْ فِي قُبُورِهِمْ وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُقْبِلِينَ مِنْ قَبْلِ جَهَنَّمَ يَنْفُضُونَ شُعُورَهُمْ مِنَ الثَّرَابِ» [۲]. [ftn3 #]

عبد الکریم خثعمی از امام صادق ۷ روایت کرده است: نزدیک زمان ظهور قائم ۴ - در ماه جمادی الآخر و ده روز از ماه رجب - چنان بارانی بر سر مردم فرو می‌بارد که تا آن زمان مانند آن را ندیده باشند. به دنبال آن خداوند

گوشت بدن مؤمنان را در قبرهایشان می‌رویاند (کنایه از زنده شدن) و گویا می‌بینم آن‌ها را که از طرف جُهیینه می‌آیند در حالیکه موهایشان خاک آلود است. (چون سر از قبر در آورده اند)

دلالت روایت

روایت، دلالت بر رجعت مومنین (معنای دوم) در ماه جمادی الآخر و ده روز از ماه رجب و کمی قبل از ظهور امام زمان ۴ دارد در حالیکه، ظهور امام زمان ۴ طبق روایات، روز عاشورا در ماه محرم است.

مکان جُهیینه

یاقوت حموی در معجم البلدان می‌گوید:

۱- «جُهیینه: بلفظ التصغیر، وهو علم مرتجل في اسم أبي قبيلة من قضاة: وسمي به قرية كبيرة من نواحي الموصل على دجلة، وهي أول منزل لمن يريد بغداد من الموصل، وعندها مرج يقال له مرج جُهیینه...»

جُهیینه جُهیینه [ج هن] (به وزن كوچك نما): نام نو ساخته‌ای است برای شاخه‌ای از قبیله قضاة که این نام را به روستائی بزرگ از بخشهای موصل در کنار دجله داده‌اند و آن نخستین منزلگاه کسانی است که از موصل به سوی بغداد روند (به اصطلاح درب ورودی به بغداد است) در آنجا چمنزاری هست که آن را «مرج جُهیینه-چمن جُهیینه» خوانند و از آن بسیار یاد شود

۲- «و جُهیینه أيضا قلعة بطبرستان حصينة مكينة عالية في السحاب» [۴]. [ftn4_#]

قلعه و دژی، استوار و پایدار در مازندران که در بلندی‌ها قرار گرفته است.

بیان علامه مجلسی در رجعت

مرحوم صدر پس از نقل روایات رجعت از کتاب بحارالانوار، کلام مرحوم مجلسی را در این زمینه نقل می‌کند.

«قال المجلسي بعد سرده للأخبار (علامه مجلسی پس از نقل این اخبار می‌افزاید)

اعلم يا أخي إنني لا أظنك ترتاب بعد ما مهدت و أوضحت لك في القول بالرجعة التي أجمعت الشيعة عليها في جميع الأعصار و اشتهرت بينهم كالشمس في رابعة النهار... وكيف يشك مؤمن بحقية الأئمة الأطهار فيما تواتر عنهم من

مأتي حديث صريح، رواها نيف وأربعون من الثقات العظام والعلماء الأعلام، في أزيد من خمسين من مؤلفاتهم، ثم عدهم المجلسي واحداً واحداً.

برادر، گمان نمی‌کنم پس از توضیحاتی که برای دربارۀ رجعت- که شیعه در تمام زمان‌ها بر آن اجماع داشته و شهرت آن هم چون آفتاب در نیمه روز است - شك و تردید روا داری... و چگونه می‌شود مؤمنی که به حقانیت امامان معصوم علیهم السلام باور دارد، به دویست حدیث که چهل و اندی نفر از راویان مورد اعتماد و عالمان سرشناس در بیش از پنجاه کتاب خود آورده‌اند، با دیدۀ تردید بنگرد، سپس علامه نام یک یک آن بزرگان را نقل می‌کند.

هر چند مرحوم صدر بقیه حرف علامه مجلسی را نقل نمی‌کند ولی بنده حرف مرحوم مجلسی را به لحاظ اهمیت آن به طور کامل نقل می‌کنم.

و إذا لم يكن مثل هذا متواتراً ففي أي شيء يمكن دعوى التواتر مع ما روته كافة الشيعة خلفاً عن سلف و ظني أن من يشك في أمثالها فهو شاك في أئمة الدين و لا يمكنه إظهار ذلك من بين المؤمنين فيحتال في تخريب الملة القويمة بإلقاء ما يتسارع إليه عقول المستضعفين و تشكيكات الملحدين يُريدون ليُظفوا نُورَ الله بأفواههم و الله مُتِمُّ نُورِهِ و لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ و لنذكر لمزيد التشييد و التأكيد أسماء بعض من تعرض لتأسيس هذا المدعى و صنف فيه أو احتج على المنكرين أو خاصم المخالفين سوى ما ظهر مما قدمنا في ضمن الأخبار و الله الموفق.»[5] [ftn5_#]

اگر این مسأله رجعت متواتر نباشد پس چه چیز متواتر است با اینکه همه علمای شیعه آن را نسل در نسل نقل کرده‌اند. ظن من این است که کسی که در امثال این چیزها شک کند، در خود ائمه: شک دارد و به سبب اینکه قدرت اظهار آن را در میان مومنین ندارد - چون تکفیر می‌شود- لذا برای تخريب اعتقادات از طريق ديگر وارد می‌شود...

اشكال اول مرحوم صدر بر بیان مجلسی

وهذا الكلام من المجلسي يواجه عدة مناقشات:

المناقشة الأولى: أن إجماع الشيعة وضرورة المذهب عندهم، لن تثبت على الإطلاق، بل المسألة عندهم محل الخلاف والكلام على طول الخط. والمتورعون منهم يقولون: أن الرجعة ليست من أصول الدين ولا من فروعه ولا يجب الاعتقاد بشيء بل يكفي إيكال علمها إلى أهله. فهل في هذا الكلام - وهو الأكثر شيوعاً - اعتراف بالرجعة وإنما اعتراف من اعترف بالرجعة وأخذ بها، نتيجة لهذه الأخبار التي ادعى المجلسي تواترها، إذاً، فالرأي العام المتخذ حولها - ولا أقول الإجماع - ناتج من هذه الأخبار، ولا يمكن أن تزيد قيمة الفرع على الأصل»[6]

[ftn6_#]

اجماع شیعه در موضوع رجعت برای عالمان اسلامی به طور کلی ثابت نشده است، بلکه مورد اختلاف می‌باشد. اهل ورع از علماء می‌گویند: رجعت نه از اصول دین است و نه از فروع آن و اعتقاد به آن نیز واجب نیست بلکه باید

دانش آن را به خداوند سپرد. ولی عده‌ای به استناد روایاتی که علامه مجلسی ادعای تواتر آنها را دارد، معتقد به رجعت شده و آن را به عنوان يك اصل پذیرفته‌اند؛ در واقع نوعی باور عمومی-و نه اجماع-در نتیجه این روایات پدید آمده است که نباید در حد يك «اصل مسلم» به آن بها داد. یعنی اجماع و ضرورت مذهب بر رجعت ثابت نیست بلکه مسئله مورد اختلاف است و آنان که اهل ورع و ترس از خدایند می‌گویند رجعت نه از اصول دین و نه از فروع دین است و نه اعتقاد به آن واجب است بلکه علم آن را به اهلش واگذار می‌کنیم و آیا این معنا اعتراف به رجعت است با این که همین عقیده بیشتر شایع است و البته کسانی که به رجعت اعتراف کردند در اثر روایاتی است که مرحوم مجلسی ادعای تواتر آن را کرده....

عبارت «والمترعون منهم يقولون» از ایشان خیلی عجیب است. این حرف دور از شأن ایشان می‌باشد.

یعنی سید مرتضی و شیخ مفید و مرحوم صدوق و مرحوم طبرسی و مرحوم طریحی و خود مجلسی، و مرحوم ابو الحسین شریف و مرحوم جزائری و از معاصرین مرحوم طباطبائی اینها آدم های اهل تقوی و ورع نیستند؟ خدا کند فهم ما اشتباه باشد و ما فرمایشاتشان را نفهمیده باشیم. شما باز مراجعه کنید. [v]. [ftn7 #]

پاسخ به اشکال صدر

نقل مطالب و کلام علما در جلسات علمی، بها دادن و احترام به آنها می‌باشد هر چند در کلام آنها باید تتبع و تحقیق شود. در اینجا بنده، کلام بزرگان را در مورد رجعت بیان می‌کنم تا درستی یا نادرستی کلام مرحوم صدر - ثابت نبودن ادعای اجماع و ضرورت در مورد رجعت - ظاهر گردد.

کلام بزرگان در مورد رجعت

به کتاب الشیعة و الرجعة مرحوم والد ما ص ۲۴۴، بخش الإجماعات و الرجعة مراجعه نمایید.

■ ایشان بیان مرحوم طبرسی را ذیل آیه «و یوم نحشر من کل امة فوجا» در مورد رجعت نقل می‌کند:

«...لأن الرجعة لم تثبت بظواهر الأخبار المنقولة، فيتطرق التأويل عليها، وإنما المعول في ذلك على إجماع الشيعة الإمامية، وإن كانت الأخبار تعضده وتؤيده...» [۸]. [ftn8 #]

رجعت بوسیله ظاهر اخبار ثابت نمی‌شود لذا ظواهر اخبار را باید تأویل کرد. اعتماد برای قول به رجعت اجماع طایفه امامیه است گرچه روایات هم اجماع را تقویت و تأیید می‌کند.

البته اینجا مرحوم والد می‌گویند روایات خودش صریح است و این اشکال را به مرحوم طبرسی وارد می‌کنند. (چون مرحوم طبرسی می‌گوید: رجعت بوسیله ظاهر اخبار ثابت نمی‌شود)

دقت شود: مرحوم طبرسی تأکید می‌کند که مدرک اعتقاد به رجعت اجماع شیعه است، در حالیکه مرحوم صدر اجماع را انکار می‌کند. البته شاید در اثر عدم تتبع باشد.

■ مرحوم ابن بابویه قمی، در کتاب اعتقادات می‌فرمایند:

« اعتقادنا في الرجعة أنها حق... » اعتقادنا یعنی نظر شیعه است.

مرحوم والد تعلیقه ای بر کلام ایشان دارند: قوله اعتقادنا یعنی الإمامية و هذا التعبير عندنا شائع يعبر عن الإجماع اعتقادنا یعنی نظر شیعه است و کسانی که می‌خواهند از اجماع تعبیر کنند می‌گویند اعتقادنا.

■ مرحوم حسن بن سلیمان قمی (ایشان کتاب مستقلی در رجعت دارند) می‌فرمایند:

«مما أجمع الإمامية و نقل الإجماع من الشيعة على هذه المسألة، الشيخ المفيد و نقل الإجماع أيضاً السيد المرتضى فقد نقل إجماع الإمامية على رجعة جماعة من المؤمنين من قبورهم بعد موتهم مع الإمام»

■ شیخ مفید ادعای اجماع در مسئله رجعت کرده‌اند و سید مرتضی علم الهدی هم نقل اجماع فرموده‌اند.

■ مرحوم حر عاملی صاحب وسائل در کتاب الايقاظ می‌فرماید: «الرجعة مما اجمع عليه علماءنا بل جميع الأمة»

■ شیخ مفید می‌فرماید: «فقد قالت الإمامية (اتفاق شيعه) ان الله ينجز الوعد بنصر الأولياء قبل الآخرة عند قيام المهدي و الكزة التي وعدها المؤمنون»

■ مرحوم علم الهدی می‌فرماید: «إنَّ الَّذِي تذهب الشيعة الامامية إليه أنَّ الله تعالى يعيد عند ظهور إمام الزمان المهدي عليه السلام قوما مفن كان قد تقدّم موته من شيعته ليفوزوا بثواب نصرته و معاونته و مشاهدة دولته، و يعيد أيضاً قوما من أعدائه لينتقم منهم فيلتدّوا بما يشاهدون من ظهور الحق و علوّ كلمة أهله»

- . مرحوم طریحی در مجمع البحرین می‌فرماید: «الرجعة بالفتح هی المزة في الرجوع بعد ظهور المهدي و هی من ضروریات مذهب الإمامیة»[9]. [ftn9_#]
- . مرحوم مجلسی در اعتقادات: «يجب أن يؤمن بالرجعة فإنها من خصائص الشيعة»[10]. [ftn10_#] و در کتاب حق الیقین: «إعلم انه من جملة إجماعات الشيعة بل من ضروریات مذهب الحق حقیقتاً الرجعة قبل القيامة»
- . مرحوم حر عاملی در ایقاظ: «بل مضافاً إلى الإجماع عدها في الضروریات المذهبية عند الإمامیة»[11]. [ftn11_#]
- . مرحوم مفسر ابو الحسن شریف صاحب مرآة الأنوار علامه: «مما لا شك فيه عندنا و هی من ضروریات المذهب»[12]. [ftn12_#]
- . سید نعمة الله جزائری در الانوار النعمانية: «والاخبار الدالة علي رجوع الحسين و اميرالمؤمنين ٧ متواترة و في رجوع سائر الأئمة قريب من التواتر فلقد نُقلَ فيها بعض مشايخنا»[13]. [ftn13_#] تقريباً من مئتي حديث (٢٠٠ حديث) اشاره به مرحوم مجلسی دارند.
- . مرحوم شيخ حبيب الله كاشانی كه دارای مؤلفات بسیار و صاحب كرامات است. ایشان اشعاری دارند.

در ابتدا می‌فرمایند: «إعلم ان من العقائد التي هی من اصول مذهب الشيعة، و ضروریات مذهبهم الرجعة. بعد منظومه ای دارند:

و رجعة الأئمة الإثني عشر - مع النبي مذهب قد استقر - و مومن محض و كافر محض - رجوع كل منهما امر فرض - و ذاك امر ممكن الوجود - و النص فيها ظاهر الورد - و للحسين دولة عظيمة سلطنة باقية عمية.[14]. [ftn14_#]

نمی‌خواهم همه کلمات بزرگان را استقصاء کنم ولی همین مقداری هم كه عرض شد قابل توجه است. همه این بزرگان یا ادعای ضرورت کرده‌اند و یا اجماع و یا هر دو به همراه تواتر روایات. حال مرحوم صدر بفرماید كه اجماع یا ضرورت ثابت نیست بلکه محل خلاف است و انسان های متقی و با ورع قائلند كه رجعت از اصول دین و مذهب نمی‌باشد و اعتقاد آن هم واجب نیست، عجیب است. ایشان چهار اشكال دیگر هم به كلام مرحوم مجلسی وارد می‌کنند كه إن شاء الله در جلسه بعد به آن می‌پردازیم.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

[1]. [ftnref1_#]. قال المجلسي: الاول اسم و الثاني صفة، اي هو عالي الشأه، او كلاهما اسمان و خبر ان لمبتدأ محذوف كما يقال: هو فلان إذا كان مشتهراً معروفاً في الكمال.

[۲] مختصر البصائر، حسن بن سلیمان بن محمد حلّی، ص ۱۰۵، ح ۱۰۷، مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۸.

[۳] الارشاد: مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۳۷ و ج ۵۳ ص ۹۰.

[۴] معجم البلدان، الحموی، ج ۲، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

[۵] مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.

[۶] صدر، تاریخ مابعد الظهور، ج ۳ ص ۶۳۲.

[۷]. [ftnref7_#]. حق این است که بگوییم این بزرگوار به جهت گرفتاری های عراق و ظلم حکومت صدام و نا امنی و گرفتاری هایی که برای حوزه مقدسه نجف اشرف پیش آمده بود زمینه برای تتبع بیشتر نداشته اند. لذا اینگونه نظر داده اند یا این که در دوران جوانی این کتاب را نوشته و موفق به تحقیق متناسب با بحث نشده است.

[۸] طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۰۶.

[۹]. [ftnref9_#]. مجمع البحرین ۴: ۳۳۴.

[۱۰]. [ftnref10_#]. مجلسی، اعتقادات، ص ۵۴.









[۱۱]. [ftnref11_#]. الایقاظ، حر عاملی، ص ۶۶.

[۱۲]. [ftnref12_#]. مرآت الانوار: ۲۳۷.

[۱۳]. [ftnref13_#]. جزایری، الانوار النعمانیه، ج ۲، ص ۷۱.

[۱۴]. [ftnref14_#]. نگا کتاب الشیعة و الرجعة، ج ۲، ص ۲۷۰.

شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد

							
صوت دریس	اذعان خلیفه	جلسه بیست	سرپرست	سخنرانی در	امامت و	جلسه بیست	جلسه سی و
خارج کلام/	اول به معیار	و هفتم بحث	تبلیغات	مسجد رفعت	مهدویت	ویکم بحث	چهارم بحث
شناخت ائمه	بودن	قیام های قبل	اسلامی	شهرستان	گفتگو با استاد	قیام های قبل	قیام های قبل
مذاهب عامه/	از ظهور=دریس	امیرالمومنین(ع)	کرمان=۵۰		نجم الدین	از ظهور=دریس	از ظهور=دریس
					طیسی		